

# هنرمفهومی<sup>۱</sup> در طراحی لباس

ملیحه مجلسی\*

استاد بهیه خوشنویسان\*\*

## چکیده

هنر طراحی لباس در طول تاریخ در دامان برخی از سبک های هنری رایج زمان خود رشد کرده و موجب پیدایش سبک هایی جدید شده است. یک تابلوی نقاشی، مجسمه و یا صحنه ای از یک نمایش از لحاظ خصوصیات بصری ممکن است با هم تفاوت هایی اساسی داشته باشند؛ اما این امکان وجود دارد که همگی در یک زمان معین، از سبکی واحد، مثلاً پاپ آرت (هنر همگانی) و یا اکسپرسیونیسم (هنر بیانگر) پیروی کرده، ویژگی ها و اهداف این سبک را آشکارا در خود نشان دهند. هنر طراحی لباس نیز از چنین قاعده ای مستثنا نیست و می تواند در سبک های متنوعی، از جمله "هنر مفهومی" جلوه گر شود. در چنین شرایطی، هنرمند بدن انسان را به مثابه بوم و یا وسیله ای برای نشان دادن مفاهیم درونی و ذهنیات خود می داند. بنابراین، هدف اصلی او از خلق یک لباس، پوشش بدن انسان نیست، بلکه با بهره گیری از مواد و ابزار پوشیدنی و غیر پوشیدنی مثل پارچه، شیشه، چوب، کاغذ، چینی و... احساسات و اندیشه های درونی خود را نمایش می دهد و اندام انسان همچون وسیله ای برای انتقال اندیشه او عمل می کند.

واژه های کلیدی: لباس، طراحی لباس، سبک های هنری، هنر مفهومی، مفاهیم.

## مقدمه

آفرینش هنری منتهی شد. [لوسی اسمیت، ۱۳۸۲، ص ۹] عبارت "هنر مفهومی" به طور کلی به مجموعه آثاری اشاره می کند که در آن ها انتقال ایده یا مفهوم به بیننده، محتاج خلق و نمایش شیء سنتی هنری نیست. به این معنا که برخلاف انتظار و عادت مخاطب، هنرمند دیگر به کشیدن تابلوهای نقاشی مرسوم یا ساخت مجسمه های تکراری و مواردی از این قبیل نخواهد پرداخت، بلکه آثاری خلق می کند که بیننده را شگفت زده کند، به فکر فرو برد و بدین ترتیب خلق اثر با مشارکت ذهن تماشاگر کامل شود. این جریان، همچون پاپ آرت (۱)، اکسپرسیونیسم انتزاعی (۲) و مینیالیسم (۳)، شکلی تاریخی از یک جنبش آوانگارد (۴) بود که در دوران پس از جنگ جهانی دوم به شهرت رسید و از آن پس تأثیری عمیق بر هنر بصری داشت. [فرخ صالح پور، بیتا میرسعیدی، مدیا فرزین راد، ۱۳۷۱، ص ۱]

دهه های پایانی سده بیستم، تحولاتی عمیق در مفهوم هنر و ساختار زیبایی به وجود آورده و بدین ترتیب قلمرو گسترده و متنوعی از امکانات و روش های بیان هنری جدید را به کار گرفته است. با ظهور جنبش های هنری پس از دهه ۱۹۶۰ م، شکل و مضمون اثر هنری و رابطه اش با انسان و طبیعت دگر باره به چالش کشیده شد و هنرمندان از آخرین دستاوردهای فناوری برای بیان مفاهیم و موضوعات هنر خود بهره گرفتند. در اصل مهم ترین ویژگی هنر این قرن وجه تجربی آن بود که از میلی شدید و روز افزون به نوآوری و شیفتگی فراوان به پدیده های نو سرچشمه می گرفت. تحولات پدید آمده در عرصه هنر در ابتدای قرن با به کارگیری موادی فراتر از رنگ و بوم آغاز، و در سال های آخر آن به آزادی کامل هنرمند از هرگونه قید و بند نقاشی و مجسمه سازی و تمایل به سوی رسانه ها و امکانات جدید

\* کارشناس طراحی پارچه و لباس (Email: nazanin.majlesi@gmail.com)

\*\* استاد راهنما (استاد مدعو دانشگاه الزهراء (س))

### تعریف هنر مفهومی

اصطلاح هنر مفهومی بر گونه‌های مختلف هنری دلالت دارد که در آن‌ها، فکر و ایده هنرمند بیش از وسیله بیان و کار نهایی حائز اهمیت است. در آثار هنر مفهومی، رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب دگرگون می‌شود؛ یعنی اثر هنری اهمیت خود را از دست می‌دهد و ذهن هنرمند است که در اولویت قرار می‌گیرد و این مسئله تا جایی پیش می‌رود که گاه خود هنرمند نیز حذف می‌شود. بنابراین، اثر مفهومی، محاکات طبیعت و صورت‌های گوناگون آن نیست، بلکه هنرمند با اتکا به منطق فکری خویش از امکانات زبان و بیان مستقیم در طبیعت و زندگی بهره می‌گیرد.

سل لویت، هنرمند مفهومی امریکایی، در سال ۱۹۶۹ م. در مقاله‌ای نوشت که ضرورت ندارد ایده‌های هنری، قالب یک شکل معین (تابلو، مجسمه و غیره) را به خود گیرند. توده‌ای آب نبات بر روی زمین یا یک کلمه نوشته شده بر دیوار می‌تواند یک هنر باشد؛ هنری که ممکن است فقط برای یک لحظه وجود داشته باشد و بعد از آن در نوشته‌ها و عکس‌ها باقی بماند. لویت معتقد بود که نقد هنری دیگر ضرورت ندارد؛ زیرا هنرمندان می‌توانند تحلیل خودشان را از هنر بنویسند و نوشته‌های آن‌ها، همچون تابلوهای نقاشی و مجسمه‌ها، ماهیت و شأن هنری دارد. هنر مفهومی در مراحل اولیه خود به شکل‌های مختلفی عرضه شد؛ ولی به مرور به گزارش یک ایده، رخداد یا فعالیت با استفاده از مطالب مکتوب، تصاویر، فیلم‌های ویدئویی و اشیاء واقعی تغییر و تحول یافت. در دهه ۱۹۶۰ م.، هنر مفهومی به یک پدیده مهم بین‌المللی تبدیل شد. هنرمندان مفهومی در واقع، می‌خواستند هنر را از قید شیء بودن و در نتیجه ارزش‌های تجاری و سوداگرانه آن‌ها سازند و مرز بین شیء هنری و اشیاء دیگر را از میان بردارند. بنابراین، عکس‌ها، متن‌ها، نقشه‌ها، نمودارها، نوارهای کاست و ویدئو و اشیاء دیگر نیز می‌توانستند همچون رسانه ارتباطی مورد استفاده قرار گیرند. [لینتن، ۱۳۸۳، ص ۵۰۱]

این جنبش، عرصه گسترده و بسیار متنوعی از فعالیت‌های هنری و گرایش‌های فرعی مشابهی، نظیر رخدادها (۵)، هنر ویدئویی (۶)، هنر خاکی (۷)، هنر اندامی (۸)، هنر اجرایی (۹)، هنر چیدمان (۱۰) و هنر زبان<sup>۱</sup> را با نیازهای خود

متناسب کرده است. جوهر کار همیشه این مفهوم هنری بوده است و اثر هنری به منزله یک اندیشه یا روند و هنرمند نه تنها آفریننده، بلکه مفسر و داور نیز هست.

### مفهوم لباس

لباس، ریشه در پابندی به سنت‌ها و باورهای مذهبی و فلسفی دارد و به طور قطع می‌توان گفت بخشی از فرهنگ و هنر هر قوم و کشوری را می‌توان در لباس آن جست و جو کرد. لباس در جهان امروزی به صورت یک وسیله (دیداری) برای شناخت انسان‌ها از جنبه اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، هنری، اقتصادی و سطح تمدن و پیشرفت جامعه درآمده است.

پدید آمدن پوشاک، امری تصادفی یا خواستی فردی نبوده است پوشاک بر مبنای تفکرات و نیازهای اقلیمی، مادی و معنوی اقوام به وجود آمد، آینه تمام‌نمای تاریخ زندگی بشر شد و در طی قرون و اعصار، در سرزمین‌های گوناگون شکل گرفت و تحول یافت. نظم و هماهنگی پوشاک دوران باستان، در قرون وسطی جای خود را به شکل و ظاهری شکوهمند داد. در عهد رنسانس پرزرق و برق شد و صورتی تجملی پیدا کرد و سپس در عصر نوین شکلی نامشخص و رمزگونه به خود گرفت. [ویل کاکس، ۱۳۷۹، ص ۶۵]

### هنر طراحی لباس

از آنجا که پوشیدن لباس یک ضرورت است، هر کس این دین را در قبال خویش احساس می‌کند که ظاهر خود را به خوشایندترین شکل ممکن بیاراید. بنابراین، پوشاک باید رنگ و طرحی هنرمندانه و زیبا داشته و هماهنگ با شرایط محیط و باب روز باشد.

به این نیازها، طراحان و دوزندگان لباس پاسخ گفتند. آن‌ها با بهره‌گیری از گرایش مردم به تنوع طلبی و نوجویی، و با استفاده از جریان‌هایی چون جنگ، بحران‌های اقتصادی، تحولات فرهنگی و سیاسی، طرح‌های تازه‌ای ارائه کردند، برخلاف سده‌های پیشین که نوآوری‌های خود را در کسوت مانکن‌های چوبی و مومی لباس برتن، به نمایش می‌گذاشتند، اکنون به یاری رسانه‌های گروهی، چون سینما و تلویزیون و نشریات مد که وسعتی جهانی دارند، در معرض دید همگان

قرار می دهند و از این راه، سلیقه ای جهانی در شیوه لباس پوشیدن، پدید می آورند؛ واقعیتی که در هنر و ادبیات و معماری نیز مصداق دارد.

دیگر کمتر ملتی را می توان یافت که در حیطه تمدن امروزی قرار گرفته باشد و باز بتواند پوشاک سنتی و شاید دست و پاگیر خود را کاملاً حفظ کند؛ زیرا لباس امروز خاص مردمان امروز است؛ مردمانی که زمان در زندگی اجتماعی شان عنصری است تعیین کننده، و این نکته ای است که طراحان لباس نیز به آن توجه دارند. لباس های امروزی، متناسب با شرایط زمان طراحی می شوند و از همه مهم تر اینکه جنبه های زیبایی و هنر نیز در آن ها رعایت می شود.

اینکه در آینده چه ویژگی هایی به لباس افزوده و چه چیزهایی از آن کاسته خواهد شد، مقوله ای مجرد نیست و بی تردید دگرگونی های اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و هنری در تحول آن دخیل خواهند بود و ناگزیر، بازتاب خود را در پوشاک جلوه گر خواهند ساخت. [همان، ص ۶-۱۱]

طراحی لباس در صد سال اخیر، به سرعت ترقی کرده است؛ به طوری که دل ها را به دست آورده و عقاید گوناگونی را با خود همراه کرده است. طراحی لباس به مردم کمک می کند که چگونه بهتر به نظر برسند و احساس مطلوبی را برای خودشان فراهم آورند. از سوی دیگر، در جایگاه یک سازمان دهنده برای اقتصاد نیز ایفای نقش می کند؛ به طوری که دو قطب مخالف فرهنگ معاصر، یعنی میل به خلاقیت و احتیاج به تولید را با هم پیوند می دهد.

طراحی لباس چیزی جز گرایش ها و تمایلات نیست و اغلب آهسته حرکت می کند تا جایی برای خودش باز کند. پارچه ها، رنگ ها، نقش ها و شکل ها از فصلی تا فصل دیگر تغییر می کنند و زمانی که مردم به پیروی از رهنمون های بنیانگذاران مد علاقه مند می شوند، طراحی لباس برای متخصصان اهمیت می یابد. طراحی لباس همواره به صورت یک بازی بوده؛ اما امروزه شرایط به طور تکان دهنده ای متفاوت است و این احتمال وجود دارد که مد، تصویری از چیزهای دلخواه و مفاهیم همیشه تازه به وجود آورد. [Francois, 2000, p 5-8]

هنر و طراحی لباس در قرن اخیر رابطه ای نزدیک و پویا برقرار کرده اند؛ به طوری که هنر و مد، موضوع چندین نمایشگاه در سال های اخیر بوده است. این نمایشگاه ها زمینه ای برای گسترش هنر در دنیای مد فراهم می سازند؛ هم در قالب بررسی تاریخی و هم تلاشی برای به وجود آوردن موقعیتی که "مد به عنوان هنر" و "هنر به عنوان مد" را بشناساند. علاوه بر آن، به

شناسایی همزمان بین دو دنیایی می پردازد که با پیشروی زمان، وضعیتشان از نظر فرهنگ بصری قرن بیستم، بسیار سخت و دشوار شده است. [Peter, 1999, p1]

ان هولاندر، نویسنده آمریکایی، در کتابی به نام "جنسیت (زن و مرد) و لباس" اظهار می کند که طراحی لباس به علت توانایی خلق تصاویر کامل بدنی و فرم های بدنی، از نظر روانشناسی و ساختاری، حقیقی، مدرن و امروزی بودن آن، یک هنر است. این نظریه به طور جدی از لباس هایی که در دهه ۱۹۶۰ م. در حال تغییر و دگرگونی بود، حمایت کرد. سقوط ناگهانی هنر (که اغلب با عنوان پست مدرنیسم یاد می شود)، طراحی لباس را به یک "محیط دیگر" فوق العاده و زمینه ای که قبلاً نقاشی و مجسمه سازی بر آن حکمفرما بود، هدایت کرد که در قالب هنر اجرایی، ویدئویی و هنر چیدمان به رقابت با آن پرداخت. [Ibid, p17]

طراحان موفق لباس در سراسر دنیا، از مسائل سیاسی، روابط بین المللی و برنامه های بازرگانی غافل نیستند و مانع از راکد ماندن طراحی لباس، مانند برخی هنرهای سنتی می شوند و از اعطای آن به نسل بعدی طراحان، بدون تحرک و پیشرفت، جلوگیری می کنند. بدین ترتیب، طراحی لباس مانند موجود زنده پایه پای جوامع در حرکت است و بررسی های خود را در همه جهات گسترش می دهد.

### ارتباط سبک های هنری با طراحی لباس

جنگ جهانی دوم، بنیان تمدن را تکان داد و با آغاز آن، تکامل لباس شکلی انقلابی به خود گرفت. لباس که بازتابی از توان اقتصادی، نگرش سیاسی، قابلیت های فرهنگی و اجتماعی، باورهای مذهبی و فلسفی و پایبندی های رسمی و سنتی است، در روند تکامل خود، زیر نفوذ و سیطره نظام نقشه دار سرمایه داری قرار گرفت. در این نظام، پوشاک جایگاهی دیگر یافت؛ به کالا تبدیل شد و همانند کالا ارزش دوگانه پیدا کرد. به دیگر سخن، هم برآورنده نیازهای بشری شد و هم محصولی برای فروش. [ویل کاکس، ۱۳۷۹، ص ۶]

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، مد در علوم مختلف مطالعه و بررسی شد. پیش از این ها، رشته های دیگری مانند روانشناسی، فلسفه، جامعه شناسی و رفتارشناسی نیز به این موضوع پرداخته و کارکرد آن را در مقام هدایت کننده اجتماعی و ابزاری برای هدایت امور اقتصادی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده بودند. [کتاب ماه هنر، ۱۳۷۸، ص ۴۹]

سبک های هنری که بعد از جنگ جهانی دوم پدید آمدند،



تصویر ۱: مارتین فلتچر، کفش های سرعت، ۱۹۹۷

قالب سبک های رایج هنری انجام دهند و امکان پوشیدن لباس را طبق صفت ها، معنویات، احساسات، پدیده های روانی و تصورات ذهنی بشر فراهم سازند. همان طور که تابلوی نقاشی، احساسات خالق آن را نمایان می سازد، در عرصه هنر طراحی لباس هم بدن حکم بوم نقاشی را پیدا می کند و وسیله ای می شود برای بیان احساسات یا ذهنیات و مفاهیم درونی و روانی انسان، مانند خشم و شادی، خیر و شر، عشق و نفرت، آرزو و ... بی شک، اگر لباس های مفهومی با هنرهایی نظیر تئاتر و سینما همراه شوند، دگرگونی ها و مفاهیم کاملاً متفاوت و بدیعی را در آینده چه در عرصه تئاتر و سینما و چه در طراحی لباس به دنبال خواهد داشت.

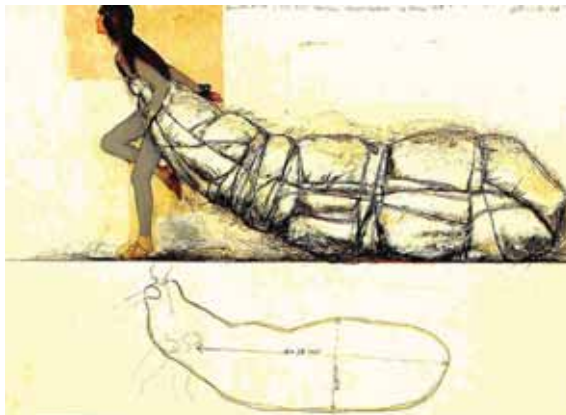
در دهه ۱۹۶۰ م، هنرمندان مفهوم گرایی، مانند کریستو به ابداعاتی روی لباس دست زدند تا لباس به عنوان یک اثر هنری پوشیده شود. لباس های آن ها، اجزای کلیدی "هنر اجرایی" در دهه ۱۹۶۰ م. بود و تنوع بسیاری از مواد جدید و غیر معمول را شامل می شد که در کنار لباس ها و کت های کوتاه آن زمان ساخته شد. بدین سان، نوسان هایی در دهه ۱۹۶۰ م. در نیویورک، پاریس و لندن از سوی هنرمندانی چون رودی گرنریش، پاکورابان و مری کوانت در زمینه طراحی لباس به

تأثیرات عمیقی بر آثار نقاشی، مجسمه سازی و امثال آن برجای گذاشتند. اما به نقاشی و مجسمه سازی و ... نمی توان بسنده کرد؛ زیرا هنر طراحی لباس از هنرهایی بود که همگام با تحولات سبک های هنری، بستر جدیدی از فعالیت را آغاز می کرد. طراحان از سبک های هنری مرسوم در نقاشی، مجسمه سازی، معماری و حتی موسیقی و ... در طرح های لباس استفاده کردند و بدین ترتیب طرح آن ها به نام آن سبک معرفی و معروف شد؛ برای مثال، سبک های پاپ آرت، آپ آرت، مدرن، پست مدرن، قانون شکن و مفهومی از سبک های موجود در طراحی لباس بودند که در اینجا سبک مفهومی شرح داده می شود.

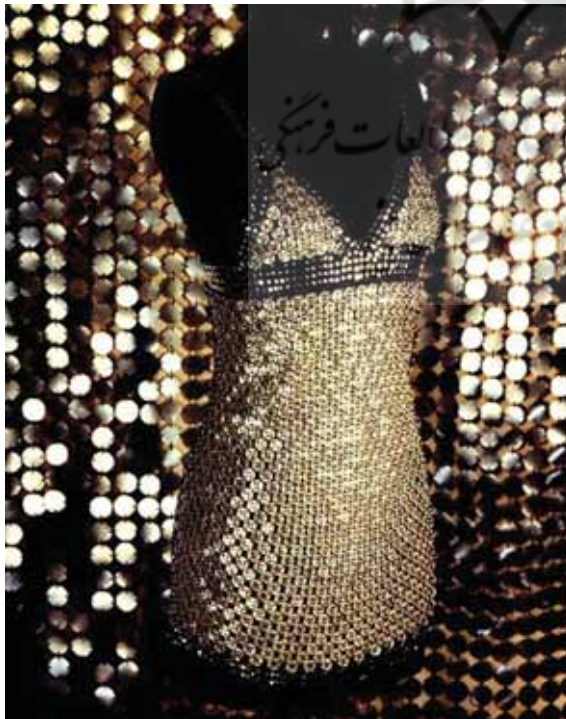
### طراحی لباس مفهومی

اصطلاح لباس های مفهومی به جای "Dresses Conceptual" برگزیده شده و منظور طرح لباس هایی است که هدف اصلی آن پوشش بدن انسان نیست، بلکه نمایش صفات یا احساس یا اندیشه های انسان است. درحقیقت، لباس های مفهومی اندام انسان را ابزاری برای انتقال یک فکر یا صفت درونی او می دانند و نه الزاماً برای پوشش تمام یا بخشی از جسم او (که البته مهم ترین هدف از طراحی لباس است) و این دقیقاً همان هدفی است که هنر مفهومی در پی آن است؛ به این معنا که کنش هنرمند فقط پیش نیازی برای نشان دادن ماهیت اثر هنری و ایده اوست و هرگونه حاصل کار و یا جسمیت بخشیدن، تنها نمودی ابتدایی از یک نتیجه گیری کلی بوده که هنرمند بدان دست یافته است. به این طریق طراحی لباس های مفهومی وارد عرصه هنرهای مفهومی می شود و شاید بتوان گفت روزگاری لباس مفهومی آن چنان گسترش یابد که با مفهوم لباس به رقابت برخیزد و جای وسیع تری را، به ویژه در نمایش های تئاتر و سینما به خود اختصاص دهد. این پدیده نتیجه تحول بزرگی است که از اواخر قرن بیستم آغاز و به هزاره سوم کشیده شد و نسل تازه ای از نوآوران و نواندیشان را به جهان هنر و هنر طراحی لباس معرفی کرد.

با نگاهی به تاریخ لباس، ملاحظه می شود که تحولات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، صنعتی، علمی و هنری بر لباس پیوسته تأثیر گذاشته، آن را از بُعد انحصاری پوشش خارج ساخته و ابعاد گسترده تری به آن داده است. امروزه، بسیاری از طراحان توانای لباس در عرصه هنر به دنبال این هستند که طراحی لباس را با تأثیر از دیگر هنرها و علوم و فرو رفتن در



تصویر (۲) و (۳): کریستو، طراحی و اجرای لباس عروس برای افتتاحیه شوی لباس، ۱۹۶۷



تصویر (۴): پاکورابان، لباس های زنجیره ای

طور نامتعارف و متفاوت با آنچه مرسوم بود، پدید آمد. از دهه ۱۹۶۰ م. به بعد، ایده ها به طور آزاد بین هنر و مد به جریان درآمد و ما شاهد هنرمندان و طراحانی، مانند مونا حاتوم و مارتین مارگیلا هستیم. آن ها در راهی کاوش می کنند تا "هویت و اصلیت" را به وسیله لباس ها وضع کنند. حال آنکه هنرمندان دیگر، مانند هلن استوری، جورجینا گودلی و آن همیلتون، برای نمایش لباس ها از راهکارهای جدیدی استفاده می کنند که در پس آن، ایده ای بکر نهفته است. هم اکنون، مفهوم پوشاک به سرحد پایانی آن نزدیک می شود؛ به طوری که هنرمندان و طراحان از مواد متنوعی مانند مس، روزنامه، نوارهای لاستیکی، موی انسان، خار، ظروف چینی و فولاد ضد زنگ بافته شده برای درست کردن لباس های پوشیدنی و غیر پوشیدنی استفاده می کنند. [Peter, 1999]

لباس های قابل پوشیدن، لباس هایی هستند که در رده هنرهای سودمند و زیبا قرار می گیرند و در قالب یک "اثر هنری کاربردی" پوشیده می شوند؛ حال آنکه لباس های غیر پوشیدنی فقط در حوزه هنرهای زیبا قرار می گیرند و عملکردی مشابه همان تابلوی نقاشی یا مجسمه دارند. با وجود این، به نظر می رسد هنر طراحی لباس در حال حرکت به نقطه ای است که ایده های آن دیگر از حالت لباس های بسیار مبتکرانه و همچنین لباس های قابل پوشش متمایز نباشد؛ البته گاهی لباس های مفهومی ارزش پوشیدن را دارند. برای مثال، کریستو که به دلیل کارهای "اجرای"، "بسته بندی" و استفاده از پارچه بسیار معروف است، دست به کار جالبی زد. او برای طراحی یک "لباس عروس" در سال ۱۹۶۰ م.، یک کوله بار عظیم رنگ شده را به پیکر مدل افزود که آن را به کلی از مدل های مجله های زنان در سال ۱۹۶۰ م. جدا می ساخت. در این لباس، عروس از یک لباس سفید ابریشمی و لباس های زیر داغ رهایی پیدا می کند و از این رهایی لذت می برد؛ اما باید چیزی شبیه به یک سنگ بزرگ را که با ابریشم پیچیده شده است، در شب نشینی به دنبال خود بکشد. [Ibid, p53]

اثر دیگر مربوط به هنرمند فرانسوی، پاکورابان است که به علت نوآوری در استفاده از مواد و مصالح شناخته شده است. در سال ۱۹۶۰ م.، او به ترقی و رشد "فرهنگ جوان" با ساخت لباس های زره ای زنجیره ای با استفاده از اشکال آلومینیومی یا پلاستیکی (و یا در این مورد، دکمه دار) پاسخ داد. او ساختن لباس را "استفاده از انبردست به جای نخ و سوزن" توصیف می کند. [Ibid, p57]

آثار هنرمند آمریکایی، کوساما، نقطه ای بین هنرچیدمان و هنر



تصویر (۶): آن همیلتون، بدون عنوان، ۱۹۹۳



تصویر (۵): کوساما،  
لباس در سبک چیدمان

می کند. هدف او از این مجموعه، احضار ارواح خانم ها و لباس های گذشته توسط اشکالی متحرک است [Ibid, 63]. تصویر بعد، طرحی از یک لباس است که مفهوم "راز" را می رساند؛ راز به مثابه گنجی است در داخل یک کوله بار سنگین که فرد آن را بر دوش خود حمل می کند و می تواند سرچشمه نگرانی باشد، چه برای کسی که آن را در دل دارد و چه برای کسی که از برملا شدن آن می هراسد.

مد لباس علاقه دارد با سرعت در صحنه حاضر شده، از سوی بهترین ها جایگزین شود. با این حال، همواره رویدادی اتفاق می افتد که شایسته تحسین کردن است. مجموعه پاییزی حسین کالایان نمونه ای از این موارد است. هر چند آثار او همواره مفهومی هستند، او مجموعه ای "آماده پوشیدن" ۵ را خلق می کند که در دسترس باشد. در بخش پایانی نمایش، مانکن ها در حالی که زیر پیراهنی های ساده ای پوشیده بودند، زیپ روکش صندلی ها را باز کردند. روکش ها را درآورده، آن ها را به لباس هایی تبدیل کردند؛ لباس هایی خاکستری، متفاوت و زیبا که در مقابل بینندگان بر تن کردند. در مرحله بعد، مانکنی به داخل میز کوتاه چوبی می رود که وسطش خالی و به صورت حلقه حلقه است. مانکن خم می شود و مرکز آن میز را که از دوایر متحدالمرکزی درست شده است، به طرف کمر خود بالا می کشد. میز مانند یک تلسکوپ باز می شود تا دامنی حلقه مانند را به وجود آورد.

ارزش این نمایش به این است که جزئیات را باز می گوید؛ زیرا با دقت به طراح و جزئیات اثر او اشاره می کند. کالایان یکی از طراحان نادر است؛ طراحی که با ثابت قدمی طراحی

اجراست و لباس های او از میلی شدید برای به هم چسباندن پارچه های کثیف و نامطبوع نشأت می گیرد که علایق او را در ارتباط بین موضوعات "شخصی و رسمی"، "اساسی و ماشینی" و "مادی و ذهنی" منعکس می کند. نمونه ای از کارهای چیدمان او در اینجا آورده شده است. [Ibid, p60] آن همیلتون، هنرمند آمریکایی است که به طور عمده به علت چیدمان هایی با مقیاس بزرگ شناخته شده است. همیلتون همواره آثارش را با موادی می سازد که از دور و اطرافش پیدا می کند و یا موادی که مناسب محل به نمایش گذاشتن آثار است. این اثر در مقیاس کوچک، یقه ای است که قسمت داخلی آن با حروف الفبا کوچک زده شده است و دایره ای از مو روی قسمت بیرونی آن وجود دارد [Ibid, 71]. از هنرمندان دیگر که در حوزه لباس مفهومی کار می کند، لوانانو است که مقرر اصلی کار او در لس آنجلس قرار دارد. او طراح لباسی است که در حال تبدیل شدن به هنرمند بصری است. آثار او شامل دوازده لباس است و مدل آن ها به سال های ۱۷۷۰-۱۹۹۰ م. مربوط می شود. او لباس ها را بر روی ریلی که به سقف متصل است، نصب کرده، آن ها را بر روی ریل به چرخش در می آورد و بدین ترتیب سیر تکاملی لباس را در اندام خانم های در حال حرکت دنبال



تصویر شماره (۷): لونامنو، کلکسیون بهاری و پاییزی از سال ۱۹۹۰-۱۹۹۸، ۱۷۷۰

می کند و فنون برش و شیوه های ساخت لباس را دوباره تعریف می کند. بنابراین، باروش های جدید بیان، فرایندهای اندیشه ای به مجموعه او وارد می شوند. او می گوید: "من سعی می کنم تا به کارم پیشرفتی ثابت بدهم، هم از نظر مفهومی و هم از نظر زیبایی." این همان هدفی است که نسل تازه طراحان لباس در دنیا در پی آن هستند. هر چند از نظر سبک کار تفاوت های زیادی با هم دارند، شیوه های تازه ای را برای شکل دادن به افکار خود در قالب های بصری پیچیده جست و جو می کنند تا مفهومی جدید بیان کنند. شاید دیری نگذرد که شاهد تأثیرات لباس های مفهومی بر روی لباس های روزمره نیز باشیم. [2000 Harvey Nichols Magazine,



تصویر شماره (۸): راز، ۲۰۰۵

### نتیجه گیری

هنر مفهومی که یکی از نتایج اصلی مدرنیسم برای گریز از سنت نقاشی سه پایه ای و نقاشی



تصویر (۹): حسین کالایان، کلکسیون پاییزی، ۲۰۰۰

به روی سطح به شمار می‌آید، برای گسترش فضای کار هنرمندان تجسمی رونق یافت. از سوی دیگر، افرادی نیز قابلیت‌های اندام انسان و حالات آن را بیش از هر ابزار دیگری برای ایجاد ارتباط با مخاطبان آثار هنری مناسب دانستند. آن‌ها گاه با تلفیق هنر طراحی لباس، ویژگی‌های هنر تجسمی، حالات و صفات انسانی، حرکات اندام و گاه توانایی‌های بازیگری، مفاهیم مورد نظر خود را نمایان می‌ساختند. آثار این دسته از هنرمندان، لباس‌های مفهومی نامیده شد. بدون شک، در آینده هم سبک‌های ویژه‌ی جدیدی پدیدار خواهد شد و مسیر پیدایش سبک‌های طراحی لباس و مد را ادامه خواهد داد.

### پی‌نوشت

- Pop Art: پاپ‌آرت یا هنر همگانی از جنبش‌های هنری دهه ۱۹۶۰ که بر فرهنگ شهری توده مردم تأکید داشت. (پاکباز، رویین. دایره‌المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر. ۱۳۷۸. ص ۱۱۱)
- Abstract Expressionism: گرایشی پر شور در بیان تجریدی حالت‌های احساسی است که خیلی سریع به نخستین جنبش‌های هنری پس از جنگ جهانی دوم تبدیل شد. (پاکباز، رویین. دایره‌المعارف هنر. ص ۳۹)
- Minimal Art: هنر مینیمال در دهه ۱۹۶۰ برای توصیف سبکی به کار رفت که ویژگی آن بی‌پیرایگی فوق‌العاده و شکل‌های هندسی ساده بود. (پاکباز، رویین. دایره‌المعارف هنر. ص ۵۶۵)
- Avant Gard: آوانگارد یا پیشتاز اصطلاحی است که به نویسندگان، هنرمندان و شاعرانی گفته می‌شود که در یک دوره معین بانی جنبش‌های نو بوده‌اند. (پاکباز، رویین. دایره‌المعارف هنر. ص ۱۴۳)
- Happening Art: هنر پیشامد یا هنر اتفاقی به نوعی برنامه سرگرم‌کننده گفته می‌شود که رویدادهای پیش‌بینی نشده‌ای را شامل می‌شود.
- Video Art: به کارگیری فناوری تلویزیون و ضبط نوار ویدئو در آفرینش آثار هنری.
- Land Art: هنر خاکی یا زمینی از گرایش‌های هنر مفهومی است که مواد آن در محیط طبیعی هنرمند یافت و در ابعادی بسیار عظیم اجرا می‌شد و هدف آن وحدت بین هنر و طبیعت بود.
- Body Art: نمایشی که در آن از حرکات جسمانی و اعمال تکان‌دهنده و سخنرانی‌های طولانی استفاده می‌شد و هنرمند بدن خود را همچون رسانه‌ای هنری به کار می‌برد.
- Performance Art: نوعی نمایش به منظور ارائه‌انگاره‌های هنری نو و حتی تبلیغ اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی و فلسفی است که عناصر تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی را با هم ترکیب می‌کند.
- Installation Art: اصطلاحی است در ارتباط با هنر مفهومی و هنر مینیمال که منظور از آن کارگذاری یک شیء یا اشیای معمولاً نا همگون در مکان یا وضعی خاص برای رساندن پیامی معین است.

### منابع

- ۱- پاکباز، رویین، (۱۳۷۸)، دایره‌المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر.
- ۲- لوسی اسمیت، ادوارد، (۱۳۸۲)، جهانی شدن و هنر جدید، ترجمه علیرضا سمیع‌آذر، تهران، نظر.
- ۳- لینتن، نوربرت، (۱۳۸۳)، هنرمدرن، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی.
- ۴- (۱۳۷۱)، آثار ارائه شده در نخستین نمایشگاه هنر مفهومی ایران، ترجمه فرخ صالح‌پور، بیتا میرسعیدی، مدیا فرزین راد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات موزه هنرهای معاصر.
- ۵- ویل کاکس، روت ترنر، (۱۳۷۹)، تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر، تهران، توس.
- ۶- مجله کتاب ماه هنر، ویژه پوشاک ایران و اسلام، (۱۳۷۸)، ش ۱۷ و ۱۸، مؤسسه چاپ آتی.

7- Francois, Baudot (2000), fashion, The twentieth century, universe. New york.

8- Harvey Nichols Magazine (2000), London.

9- Peter, wollen (1999), Addressing the Century, Hayward Gallery, London.1999.